

A Crisis-Based Approach to the Intellectual Backgrounds of the Establishment of Ansar Allah Movement in Yemen

Received: 2022-07-11

Accepted: 2022-09-03

Mokhtar Sheikh Hosseini *

Iman Mohammadi **

The present research focuses on the thoughts of the leaders of Ansar Allah Movement to account for the crisis in Yemen from their perspective as well as the way out of the crisis. The research method is descriptive-analytic, and the results show that the leaders of Ansar Allah Movement see threats to their Zaydi identity as the main crisis, believing that its main cause at a national level is the fall of the Zaydi government and at a transnational level, the spread of Salafism. Their ideal is the return to an Islamic government based on Zaydi principles, and the way to achieve this objective for them is the establish of the movement. The experience of recent years in Yemen shows that this movement began with a scholarly and promotional approach and then organized the cultural structure as Shabab al-Mu'min, and finally, it adopted an operational approach, and within thirty years, it could develop from a small cultural group active in the mosques of Sa'dah and 'Amran in Yemen to a main player on the political stage of the country and a member of the axis of resistance in the region. A full-fledged accurate rereading of the process through which movements like Ansar Allah were born can provide researchers and policymakers with a model for the formation of similar movements in other regions of the Islamic world.

Keywords: Yemen; Ansar Allah Movement; Zaydism; Houthis; Islamic movements.

* Assistant professor, Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran (corresponding author): m.sheikhhosseini@isca.ac.ir

** PhD student, Department of Political Science, Baqer al-Olum University, Qom, Iran (imanmohammadiir@gmail.com)



رویکردی بحران محور به زمینه‌های فکری تأسیس جنبش انصارالله یمن

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۲۰

تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۲/۲۳

مختار شیخ حسینی^۱

ایمان محمدی^۲

رویکردی بحران محور به زمینه‌های فکری تأسیس جنبش انصارالله یمن

پژوهش حاضر بر آن است تا با تمرکز بر اندیشه‌ی رهبران جنبش انصارالله، بحران موجود در جامعه‌ی یمن را از منظر آنان به تصویر کشیده و راهبرد خروج از این وضعیت را تشریح کند. روش پژوهش، توصیفی-تحلیلی است و نتایج نشان می‌دهند که رهبران جنبش انصارالله، به‌خطرافتادن هویت زیدی را بحران اصلی تلقی می‌کنند و علت آن را در سطح ملی، سقوط دولت زیدی؛ و در سطح فراملی، خطر گسترش سلفیه می‌دانند. آرمان آن‌ها نیز بازگشت به حکومت اسلامی با مبانی زیدی است؛ راهکار رسیدن به این هدف در نزد ایشان، تأسیس جنبش است. تجربه‌ی سال‌های اخیر یمن نشان می‌دهد که این جنبش در ابتدا با رویکردی علمی و تبلیغی، سپس با سامان‌دهی ساختار فرهنگی و در قامت «شباب‌المومن»، و در آخر نیز با رویکردی عملیاتی توانسته است در یک دوره‌ی سی‌ساله از گروه فرهنگی کوچکی در مساجد استان‌های صعده و عمران یمن، به بازیگر اصلی صحنه‌ی سیاسی این کشور و عضوی از محور مقاومت در منطقه تبدیل شود. بازخوانی کامل و صحیح روند پیدایش حرکت‌هایی همانند جنبش انصارالله می‌تواند به‌عنوان الگویی برای تشکیل چنین حرکت‌هایی در مناطق دیگر جهان اسلام پیش روی محققان و سیاست‌مداران قرار بگیرد.

کلیدواژه‌ها: یمن، جنبش انصارالله، زیدیه، الحوثی، جنبش‌های اسلامی.

۱. استادیار، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول) (m.sheikhhosseini@isca.ac.ir).

۲. دانشجوی دکتری گروه علوم سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم ع، قم، ایران (imanmohammadiir@gmail.com).

«جنبش انصارالله» از مهم‌ترین بازیگران کنونی در صحنه‌ی سیاسی یمن است که با پیشینه‌ی مذهب زیدی در دوره‌ای سی‌ساله توانسته است با رهبری بدرالدین الحوثی، حسین الحوثی و عبدالملک الحوثی از یک تفکر مذهبی در حاشیه، به بازیگری مهم تبدیل شود. این جنبش با تأثیرپذیری از انقلاب اسلامی ایران، حرکتی را در راستای احیای تفکر زیدی، مقابله با تفکر سلفی و حضور غرب در یمن آغاز کرد. هرچند در ابتدا، تمرکز جنبش بر فعالیت مذهبی و فرهنگی بود، اما با گسترش اختلافات در یمن با عنوان «جنبش انصارالله» وارد عرصه‌ی سیاسی این کشور شد و در حال حاضر نیز به‌عنوان بخشی از محور مقاومت در چرخه‌ی انتقال قدرت یمن نقش تأثیرگذاری دارد.

دغدغه اصلی این مقاله، پرداختن به بحران‌های فکری موجود و تأثیر آن‌ها بر رهبران انصارالله برای حرکت به سمت تاسیس و گسترش جنبش است. برای بررسی و تحلیل این بحران‌ها، از «نظریه‌ی بحران اسپریگنز» بهره خواهیم برد که یک چارچوب مشخص با گام‌های تحلیلی برای فهم مسایل و اندیشه‌های سیاسی است و بر چهار مرحله‌ی اصلی استوار است. مرحله‌ی اول در این نظریه، به فهم مشکل و بحران در ایجاد بی‌نظمی مورد توجه اندیشمند سیاسی مرتبط است. در مرحله‌ی دوم پس از فهم بحران، به علل آن پرداخته و در گام سوم برای رفع مشکل مورد نظر، فرضیه‌ی مطلوب و آرمانی تصویر می‌شود. در مرحله‌ی پایانی نظریه‌ی اسپریگنز به بررسی راه‌کارها برای حل مشکل پرداخته می‌شود. اسپریگنز معتقد است که یک اندیشمند سیاسی، آن‌چه هست را دیده و آن‌چه باید باشد را تصور می‌کند و برای گذار از «هست» به «باید»، راهکار ارائه داده و برای تحقق آن تلاش می‌کند (اسپریگنز، ۱۳۶۵، صص. ۲۶-۲۸). مقاله‌ی پیش رو با توجه به سیر تحولات یمن و تلاش رهبران انصارالله در تاسیس این جنبش و مطابقت آن با سیر تعریف‌شده در نظریه‌ی اسپریگنز، به حاشیه‌رفتن مذهب زیدیه را بحران بنیادی تلقی کرده و سقوط دولت امامان زیدی در سطح ملی و تهاجم فکری وهابیت در سطح فراملی را مهم‌ترین زمینه‌های فکری بحران می‌داند؛ آرمان مطلوب نیز تاسیس حکومت اسلامی است و تاسیس جنبش، راهکار رسیدن به وضع مطلوب تلقی می‌شود. در این مقاله، چهار مرحله‌ی فوق را تفصیلاً تبیین خواهیم کرد.

۱. رهبران سه‌گانه جنبش

تاسیس جنبش انصارالله و تبدیل آن به یکی از بازیگران اصلی عرصه‌ی سیاست در یمن،



حاصل تلاش حدود چهل ساله‌ی رهبران این جنبش در مناطق شمالی یمن است. مهم‌ترین افراد موثر در رهبری این جنبش را می‌توان علامه بدرالدین امیرالدین الحوثی و دو فرزندش، سید حسین (رهبر فکری جنبش) و سید عبدالمک (رهبر فعلی جنبش) دانست.

سید بدرالدین الحوثی در ۱۷ جمادی‌الاولی سال ۱۳۴۵ ه.ق. در منطقه ضحیان یمن متولد شد؛ مکتب زیدی را با گرایش جارودیه (نزدیک‌ترین خوانش زیدی به شیعه اثنی‌عشری) نزد پدرش امیرالدین و عمویش حسن الحوثی که از بزرگان علمای زیدی وقت بودند، فراگرفت (البقمی، ۱۴۳۶، ص. ۸). او در ۸۳ سالگی و در حین حمایت از قیام زیدیه بر علیه حکومت علی عبدالله صالح در سال ۲۰۱۰ از دنیا رفت؛ در مورد وفات یا شهادتش اختلاف است (الدوسری، ۱۴۳۲، ص. ۱۶). بدرالدین به‌همراه مجدالدین الموبدی (از علمای برجسته‌ی زیدیه) از حامیان اصلی شکل‌گیری حرکت در راستای احیای مذهب زیدی بودند، ولی پس از مدتی و به دلیل فتوای عدم اهمیت فاطمی بودن در مقام امامت زیدی توسط مجدالدین، اختلافات آن‌ها برجسته شد و از یک‌دیگر فاصله گرفتند (القحطانی، ۱۴۳۳ق، ص. ۲).

بدرالدین الحوثی در سال ۱۹۹۴ با سفر به ایران به مدت سه سال در قم با علمای شیعه مراددهی علمی داشت (الصادق، ۲۰۱۰، ص. ۱۴)؛ به‌همین دلیل بسیاری مدعی‌اند که ایشان و پسرش سیدحسین در این سفر روابطی را با مسئولان ایرانی برقرار کرده و سپس به تاسیس جنبش اقدام نموده‌اند؛ درحالی‌که مقدمات تشکیل جنبش انصارالله از سال‌ها قبل و با برگزاری جلسات در مساجد مناطق زیدی با عنوان «شباب المومن» آغاز شده بود و از بُعد دیگر نیز ایده‌ی اصلی‌ای که باعث سوق یافتن رهبران جنبش به سمت ایجاد سازمانی جدید در منطقه‌ی صعده شد، به‌حاشیه‌رفتن زیدیه در مقایسه با شکوه تاریخی‌اش در یمن بود.

رهبر دیگر جنبش که بیش‌ترین سهم را در تأسیس و توسعه جنبش دارد، سیدحسین الحوثی (متولد ۱۹۶۳) است. او لیسانس خود را در دانشگاه شریعت و حقوق صنعا اخذ کرد و برای طی مراحل ارشد و دکتری در رشته‌ی علوم شرعی به سودان رفت (الدوسری، ۱۴۳۲، ص. ۲۳). وی از اعضای اصلی موسس «حزب الحق» در سال ۱۹۹۰ است. سیدحسین در ۱۹۹۳ و ۱۹۹۷ به‌عنوان نماینده‌ی صعده به عضویت پارلمان درآمد (الصادق، ۲۰۱۰، ص. ۱۱). در چندین سفر به ایران و لبنان با علمای محور مقاومت تبادل نظر داشت (الدوسری، ۱۴۳۲، ص. ۱۷) و در نهایت، در جنگ اول جنبش با حکومت علی عبدالله صالح (۲۰۰۴) در سن ۴۷ سالگی به شهادت رسید (الشجاع، ۱۴۳۴، ص. ۲۱).

شعار پنج‌گانه‌ی انصارالله (الله اکبر، الموت لإمریکا، الموت لإسرائيل، اللعنه علی الیهود،



النصر لإسلام) از ابتکارات حسین الحوئی است که در تاریخ ۱۷ ژانویه ۲۰۰۲ با سخنرانی معروف (الصرخه فی وجه المستکبرین) در مدرسه امام الهادی در منطقه‌ی مران این شعار را به‌عنوان نشانه‌ی اصلی جریان احیای زیدیه در یمن ارائه کرد (الحوئی، ۲۰۱۰، ص. ۵۷۳). از مهم‌ترین خصوصیت‌های سیدحسین الحوئی، خوانش اجتماعی-سیاسی قرآن است که با بازخوانی مفاهیم قرآن، رویکرد انقلابی را به زیدیه بازگرداند (شیخ حسینی، ۲۰۲۱، ص. ۱۴). این خوانش امروزه با عنوان «المسیره القرآنیه» در اندیشه و عمل اعضای جنبش به‌عنوان نماد هویتی برجسته است.

تاثیرپذیری از امام خمینی و انقلاب اسلامی ایران در اندیشه ایشان به وضوح نمایان است. در «ملازمات»^۱ او آمده است:

آیا ما تهدید آمریکا نسبت به همه‌ی مسلمانان و دولت‌های اسلامی را نمی‌بینیم... این شعار (مرگ بر آمریکا، مرگ بر اسرائیل) را امام خمینی، آن شخص حکیم و با تقوا وضع کرد. ما در بلندکردن و پرافراشته‌کردن این شعار هم کوتاهی می‌کنیم... من او را استاد واقعی خطاب می‌کنم؛ استاد یعنی کسی که تربیت می‌کند و راه را نشان می‌دهد. (الحوئی، ۲۰۱۰، ص. ۱۶۹۰)

وی در قسمتی دیگر از سخنانش توجه جهان به ایران را به‌خاطر امام خمینی و روحیه‌ی مطابق قرآن او برمی‌شمارد (همان، ص. ۱۳۴). سیدحسین، منش و تفکر امام را مقدمه اخراج آمریکا و غرب از ایران و پیشرفت‌های فعلی این کشور را ثمره آن اقدامات بیان می‌کند (همان، ص. ۴۷۱). در نهایت با شهادت ایشان، رهبری جنبش به برادرش سیدعبدالملک رسید که در پرتو رهبری ایشان، امروزه انصارالله به بازیگری مهم در یمن و منطقه تبدیل شده است.

سید عبدالملک بدرالدین الحوئی متولد ۱۹۷۹ (البقمی، ۱۴۳۶، ص. ۹) و داماد مجدالدین المویدی از علمای بزرگ زیدیه است (الشدوی، ۲۰۱۵، ص. ۱۸۸). او پس از شهادت برادرش (۲۰۰۴) در سن ۲۵ سالگی رهبری جنبش را به‌عهده گرفت و به‌عنوان یک چهره‌ی معتدل در یمن شناخته شد. در دوره‌ی رهبری او نفوذ زیدیه در مناطق شمال یمن نیز گسترش پیدا کرد (القحطانی، ۱۴۳۳ق، صص. ۳-۴). سیدعبدالملک به‌دلیل مواضع انقلابی و مردمی جزو محبوب‌ترین افراد در یمن محسوب می‌شود. او در جریان اتفاقات ۲۰۱۳ و سرکوب اهالی جنوب یمن توسط دولت عبدربه منصور هادی و بیانیه‌ی هیئت علمای یمن در توبیخ و تکفیر

۱. کتابی از پیاده شدن سخنرانی‌های سید حسین الحوئی پس از سال ۲۰۰۲ م.

اهالی جنوب نسبت به این بیانیه به شدت اعتراض کرد و معتقد بود بیانیه باید بر علیه سرکوب نظامیان حکومتی و نه مردم معترض صادر می‌شد؛ از این رو علمای این هیئت را دست‌نشانندگان تفکر سلفی عربستان در یمن خطاب نمود (الحکیم، ۲۰۱۷، ص. ۳۵۹). چنین موضع‌گیری‌هایی به نفع مردم یمن، فارغ از دسته‌بندی‌های مذهبی و شکاف‌های اجتماعی، او را به چهره‌ی محبوبی در صحنه‌ی سیاسی یمن تبدیل کرده است. بنابراین سه اندیشمند مذکور را می‌توان بنیان‌گذاران فکری جنبش انصارالله تلقی کرد تا بتوان براساس فهم آن‌ها از بحران‌های موجود، به زمینه‌های فکری تاسیس جنبش پی برد.

۲. طرح مشکل: به حاشیه رفتن مذهب زیدیه

زیدیه در یمن دارای تاریخچه و تبار باشکوهی است که با پایان حکومت ائمه زیدی (۱۹۶۲) در این کشور، دوران افول خود را آغاز کرد و در برابر فشار رقبای فکری و سیاسی به حاشیه رانده شد. در چنین بستری، رهبران جنبش انصارالله، مساله‌ی اصلی را دورشدن از آرمان‌های قرآنی و مبتنی بر مذهب زیدیه تلقی کردند. عبدالملک الحوثی رهبر فعلی جنبش معتقد است:

راه و روش ما چیز مخفی نیست. ما تاکید بر بازگشت به قرآن و راه و روش و فرهنگ آن داریم. تاکید ما بر حل مشکلات مردم است که متشاء اصلی این اشکالات، دوری از فرهنگ و دستورات قرآن است. ما باید جامعه را بر مبنای قرآن طراحی کنیم و تربیت و عمل و رفتار و سیاست و ... ما بر اساس تعالیم خداوند باشد. (العجری، ۲۰۱۷، ص. ۵)

از این منظر، بازگشت به قرآن و تعالیم اسلامی طبعاً براساس خوانش زیدی، مطالبه‌ی اصلی رهبران جنبش است؛ خصوصاً این که جمعیت زیدیه نسبت به کل جمعیت یمن کنونی حدود ۵۰٪ است و اکثریت آن‌ها در مناطق شمال یمن زندگی می‌کنند (صبری، ۲۰۲۰، صص. ۲۰۲-۲۰۳). استان‌های صعده و عمران در شمال یمن به‌طور سنتی و به‌دلیل چهار دوره‌ی حکومت امامان زیدی، پایگاه اصلی این مذهب بوده است؛ پیروان زیدیه این مناطق را با نگاه دژ محکم مذهب خویش می‌نگرند (مرکز الصنعاء للدراسات الاستراتیجیة، ۲۰۲۱/۱۲/۰۷). این پایگاه مذهبی در نیمه‌ی دوم دهه‌ی ۹۰ میلادی مورد حملات فکری و سیاسی قرار گرفت و مذهب زیدیه را به حاشیه برد؛ به‌صورتی که ترویج تفکر سلفی در این مناطق آزاد، اما تبلیغ مذهب زیدیه با محدودیت مواجه بود.

سیدحسین الحوثی، نقش دولت علی عبدالله صالح را در ترویج تفکر وهابیت در یمن مهم تلقی کرده و معتقد است که در این دوره، حکومت برای مبلغان زیدیه قوانین متعددی قرار





داده و آن‌ها به صورت مداوم برای ترویج تفکر زیدی بازخواست می‌شدند (الحوثی، ۲۰۱۰، ص. ۱۶۳۳). با توجه به فهم مشکل که به حاشیه‌رفتن زیدیه و افول آن است، سیدحسین الحوثی در یکی از سخنرانی‌هایش در مسجد امام هادی صعده به شدت بر علمای زیدی که بر علیه هجمه بر مذهب‌شان سکوت کرده‌اند، حمله کرد و ابراز نمود که قیام برای دفاع از مذهب زیدی در زمان کنونی واجب است و ما باید از دین و عقیده خود دفاع کنیم (الحوثی، ۲۰۱۰، صص. ۹۰-۱۰۵). بدرالدین الحوثی در کتاب‌های خود، به‌ویژه «البحوث السدیده» از حملات به مذهب زیدی انتقاد می‌کند و در جلسه با طلاب دینی زیدی، سکوت در برابر این بحران را غلط دانسته و معتقد است: زیدیه در زمان کنونی از تمام جهات مورد هجمه قرار گرفته‌است، پس نباید بر باطل سکوت کرد و باید مباحث علمی را برای عوام جامعه شرح داد (الحوثی، ۲۰۱۶، ص. ۵۹۸).

براساس توصیف ارائه‌شده توسط رهبران جنبش، فرهنگ زیدی با فروپاشی حکومت ائمه‌ی زیدی در این کشور به حاشیه رانده شده و در صورت عدم توجه علما و مردم، با چالش اساسی مواجه می‌شد؛ لذا رهبران جنبش، از بین بردن نظم جامعه در مناطق شمال یمن را بحران تلقی کرده و به حاشیه‌رفتن مذهب زیدی را چالش اصلی خود می‌دانستند.

۳. علل فکری بحران از منظر رهبران جنبش

با توجه به شناخت بحران (به حاشیه‌رفتن زیدیه در یمن) در این بخش به علل شکل‌گیری بحران از منظر رهبران جنبش خواهیم پرداخت. از نظر رهبران در سطح ملی، سقوط دولت متوکلیه که در راس آن منصب امام زیدی قرار داشت، زمینه‌ی بحران هویت در بین زیدیه را شکل داد؛ در سطح فراملی نیز تهاجم فرهنگی و هابیت که با حمایت عربستان انجام می‌شد، بحران هویت را شدت بخشید.

۳.۱. بحران سقوط دولت ائمه زیدی (در سطح ملی)

یمن به لحاظ تاریخی خاستگاه مذهب زیدی در شبه جزیره‌ی حجاز است. نسبت زیدیه به مذاهب دیگر به خصوص اهل سنت شافعی در این کشور حدود ۵۰٪ است (صبری، ۲۰۲۰، صص. ۲۰۲-۲۰۳). به لحاظ جغرافیایی نیز تمرکز جمعیت آن‌ها در شمال یمن می‌باشد. از جهت اعتقادی، امام زیدیه بر هر سید فاطمی عالم به مسائل شرعی، سخی و شجاع اطلاق می‌شود که علیه ظلم و فساد قیام نماید (الجهنی، ۱۴۲۰ق، ص. ۷۸). براساس این تقریر از امامت، امامان زیدی اولین بار در سال ۲۸۴ه.ق. توسط هادی الی الحق، حکومتی را در

صعده و اطراف آن تاسیس کردند. حکومت ائمه‌ی زیدی، چهار دوره را تجربه کرده است که آخرین آن‌ها منصور بالله پس از سقوط عثمانی توانست دولت خود را در ۱۹۱۸ تشکیل دهد (جزیلان، ۱۹۸۷، صص. ۲۱۱-۲۱۷) و در نهایت در سال ۱۹۶۲ با سقوط دولت متوکلیه (انقلاب ۲۶ سپتامبر) در یمن شمالی حکومت امامان زیدی به‌طور رسمی پایان یافت و جمهوری عربی یمن در مناطق شمال تاسیس گردید (جولوبوفسکایا، ۱۹۸۲، صص. ۲۶۷-۲۷۰). هرچند زمینه‌های نارضایتی سال‌ها قبل از سقوط دولت در ۱۹۶۲ آشکار شده بود، اما امامت زیدی با همه‌ی چالش‌ها، نماد هویت‌بخش زیدیه تلقی می‌شد. در نهایت، سقوط دولت امامیه در یمن شمالی باعث به‌قدرت‌رسیدن افراد سکولار و اعمال فشار شدید بر مذهب زیدیه شد.

با ضعف و فروپاشی عثمانی در جنگ جهانی اول، بسیاری از مناطق تحت قلمرو این امپراطوری به‌سمت استقلال طلبی حرکت کردند. در یمن شمالی نیز این موضوع با رهبری منصور بالله از ائمه‌ی زیدی و با حمایت قبایل به تشکیل دولت امامان زیدی منجر شد. در مسیر این تاسیس، نهاد قبیله به‌عنوان یکی از بازیگران تاثیرگذار جغرافیای یمن توانست تاثیر زیادی داشته باشد. البته همان‌گونه که قبایل در تاسیس دولت متوکلیه (۱۹۱۸ تا ۱۹۶۲) نقش اساسی داشتند، جدایی مردم از حکومت امامیه و سقوط آن نیز رابطه‌ی مستقیمی با رفتار سیاسی قبائل داشت (الغلیسی، ۲۰۰۳، صص. ۷-۱۰). منصور بالله به‌عنوان امام زیدی با تکیه بر حمایت شیوخ قبایل در یمن شمالی موفق به اخراج والی عثمانی از این کشور شد و با تصرف صعده و مناطق اطراف آن، دولت خود را تاسیس کرد و به توسعه‌ی قلمرو تا دریای سرخ ادامه داد.

قبایل یمنی و شیوخ آن، که در شروع حکومت امامیه نقش موثری داشتند، در گذر زمان به خطری بالقوه برای امامان زیدی تبدیل شدند؛ به‌همین دلیل از زمان متوکل یحیی حمیدالدین و ناصر احمد حمیدالدین سخت‌گیری بر قبایل و روسای آن آغاز شد. حکومت امامیه برای تسلط بر قبائل، روش‌های متعددی از جمله: محدودیت نظامی، ایجاد رعب و ترس به‌واسطه‌ی اعدام و زندان، سخت‌گیری و تحت‌کنترل قراردادن مشایخ، ایجاد تفرقه و درگیری بین قبیله‌ها و ... را در پیش گرفت؛ این امر باعث جدایی مردم از دربار امامان زیدی شد (همان، صص. ۱۳۵-۱۳۶). ترس از قیام قبایل تنها بحران حکومت امامیه نبود، بلکه آن‌ها با چالش حضور استعمارگران غربی پس از جنگ جهانی دوم در این کشور نیز مواجه بودند.

با اتمام جنگ جهانی دوم، سلطه بر یمن برای کشورهای مختلفی جذابیت پیدا کرد؛ لذا فرانسه، ایتالیا و در آخر نیز بریتانیا تلاش زیادی برای سلطه بر آن داشتند؛ اما با مقاومت





زیدیه این پروژه‌ها نتیجه‌ای نداشت (جولوبوفسکایا، ۱۹۸۲، صص. ۲۲-۲۴). دولت متوکلیه هرچند در برابر بحران خارجی و تقابل نظامی با دشمنان موفق بود، اما به دلیل ضعف عملکرد، در طول زمان حمایت درونی خود را از دست داد.

در بیش از چهل سال حکومت، دولت متوکلیه در تامین بسیاری از ضروریات اولیه برای مردم ناکام بود؛ از این رو می‌توان اصلی‌ترین دلیل سقوط این حکومت را ضعف‌های گسترده در خدمات اجتماعی، فرهنگی، معیشتی و ... دانست. در اواخر دوره‌ی متوکلیه، ۹۰٪ مردم در حواشی شهرها زندگی می‌کردند و شغل اصلی آن‌ها کشاورزی، چوپانی و ماهی‌گیری بود (الغلیسی، ۲۰۰۳، ص. ۴۳). به‌طورمثال در عرصه‌ی کشاورزی که شغل بیش‌تر مردم به حساب می‌آمد، زمین‌های اندکی به‌خاطر کوهستانی بودن یمن شمالی برای زراعت وجود داشت که در آن هم به‌خاطر بی‌توجهی و عدم حمایت حکومت، محصول باکیفیتی تولید نمی‌شد. طبق گزارش‌ها، فقط ۱۵٪ از زمین‌های یمن شمالی با وسایل کشاورزی بسیار قدیمی کشت می‌شده است (همان، ص. ۴۶). در بخش خدمات اجتماعی نیز وضعیت اسفباری بر جامعه حاکم بود؛ به‌طوری‌که طبق آمار رسمی، تولید برق در آخر دولت متوکلیه نشان‌دهنده‌ی ضعف ۵۰۰ برابری تولید آن نسبت به عراق و تفاوت ۲۰۰ برابری آن با لبنان بود. امامان زیدی در بحث فرهنگی نیز با ایجاد طبقات سادات، شیوخ قبایل، تجار و حرفه‌گران، فلاحون، عبید و اخدام؛ و طبق برخی اسناد، علما و شعرا باعث از بین رفتن وحدت جامعه شده بودند (همان، ص. ۱۰۰). ضعف‌های گسترده و همه‌جانبه‌ی در دولت متوکلیه، شکل‌گیری یک تصور بسیار سیاه از این دوره و به‌تبع آن، نگاهی به‌شدت منفی نسبت به امامان زیدی را ایجاد و مردم را از حکومت جدا کرد؛ به‌صورتی‌که به‌سبب قیام سپتامبر ۱۹۶۲ هرچند برخی از علمای زیدی در راس قیام بودند، ولی حکومتی سکولار در راس یمن شمالی قرار گرفت.

شکل‌گیری جمهوری عربی یمن به‌صورت سکولار پس از تجربه‌ی ضعف حکومتی امامان زیدی، منجر به ایجاد محدودیت برای ترویج مذهب زیدیه شد. محدودیت‌های اعمالی، رهبران جنبش انصارالله را به تلاش‌هایی سوق داد تا با ایجاد گروه‌ها و جلساتی از به‌خطرآفتادن آینده‌ی این مذهب جلوگیری کنند. ازسویی پیروزی انقلاب اسلامی در ایران نیز در ایجاد انگیزه و تشدید این فعالیت‌ها سهم زیادی داشت؛ لذا انگیزه‌ی احیای زیدیه منجر به شکل‌گیری حلقه‌ی اول جنبش انصارالله در مساجد صعده شد تا فعالیت‌های بعدی از آن حلقه شکل گیرد. بنابراین می‌توان در سطح ملی، سقوط دولت امامان زیدی را مهم‌ترین علت بحران فکری و هویتی رهبران جنبش انصارالله تلقی کرد.

۳،۲. تهاجم فکری وهابیت (در سطح فراملی)

تنها چالش زیدیه، سقوط دولت متوکلیه و فروپاشی ساختار سیاسی آن‌ها نبود، بلکه در سطح منطقه‌ای نیز با رقیبی فکری به نام وهابیت مواجه بودند؛ این رقیب با حمایت عربستان، تهاجم فرهنگی سختی را علیه زیدیه در شمال یمن اعمال می‌کرد. براساس برخی از آمارها، بین ۵۰ تا ۵۵ درصد از جامعه‌ی یمن را زیدیان تشکیل می‌دادند. با احتساب ۵ درصد شیعیان جعفری و اسماعیلی، جمعیت شیعه در این کشور به حدود ۶۰ درصد می‌رسد (Bear، ۲۰۰۳، ص. ۱۰۵). هرچند در مورد درصد جمعیتی مذاهب در یمن اختلافات زیادی وجود دارد، اما به نظر می‌رسد که نزدیک به ۵۰ درصد جمعیت این کشور را می‌توان جزو زیدیه محاسبه کرد.

وهابیت به مثابه ایده‌ی هویت‌بخش دولت سعودی، نتیجه‌ی اتحاد محمد بن عبدالوهاب و محمد بن سعود بود. در این اتحاد، بخش فکری و مشروعیت‌ساز برعهده‌ی آل شیخ، و بخش امنیت‌ساز برعهده‌ی آل سعود قرار داشت. این پیمان باعث قدرت‌گیری آل سعود و غلبه بر حوزه‌ی نفوذ قبایل در منطقه نجد گردید و گسترش آن تا عراق را به دنبال داشت و در نهایت نیز به تاسیس دولت اول آل سعود در شبه‌جزیره حجاز انجامید (لاکروا، ۲۰۱۲، ص. ۱۹).

هرچند دولت اول سعودی با اقدام حکومت عثمانی و حمایت حاکم وقت مصر به شکست انجامید، ولی همگرایی بین وهابیت و آل سعود به صورت استراتژیک تداوم یافت. تلاش برای تثبیت دولت دوم آل سعود نیز با اقدام عثمانی و با کمک آل رشید به پایان رسید تا در نهایت، دولت سوم با ورود عنصر استعمار انگلیس در حمایت از آل سعود تحقق عینی یافت. لذا عربستان جدید را می‌توان نتیجه‌ی اجتماع سه ضلع: مذهب وهابیت، قدرت آل سعود و استعمار انگلستان دانست (Commins، ۲۰۰۶، ص. ۷۱). از جهت دیگر، کشف نفت در سرزمین‌های حجاز باعث شد تا سعودی، منابع مالی مورد نیاز خود برای اجرای طرح‌های فرامرزی را به دست آورد (لاکروا، ۲۰۱۲، ص. ۱۱)؛ یکی از این طرح‌ها، توسعه‌ی وهابیت در خارج از مرزهای جغرافیایی عربستان بود که شمال یمن با اکثریت جمعیت زیدی به دلیل همجواری با عربستان در اولویت ریاض برای ترویج تفکر سلفی قرار گرفت.

درواقع از قرن دوازدهم هجری که شوکانی به عنوان یک شخصیت زیدی سلفی (اشخاصی که از مذهب زیدی به تفکر سلفیت گرویده‌اند، اما بخشی از فرهنگ یمنی و زیدی را حفظ کرده‌اند) توانست منصب قاضی القضاة و مفتی یمن را به دست گیرد (العمری، ۱۹۹۰، ص. ۸۹) شاهد ترویج و نهادینه شدن وهابیت در یمن هستیم. عملاً با سقوط دولت متوکلیه در سال ۱۹۶۲ رواج سلفیت در مناطق زیدی شدت گرفت. پس از شکست تلاش امام محمد بدر





حمیدالدین برای بازگرداندن امامت زیدی به قدرت (مطهر، ۱۹۹۰، ص. ۱۵۷) در سال ۱۹۷۰، نظام جمهوری در بخش‌های شمالی یمن تاسیس شد و بسیاری از علما و رهبران زیدی مجبور به ترک یمن شدند (همان، ص. ۱۶۶). خلاء وجود رهبری برای پیروان مذهب زیدی، صنعا را به مرکز فعالیت سلفی‌ها تبدیل کرد (فرمانیان، ۱۳۹۸، ص. ۱۹۲). سقوط صنعا به دست جمهوری خواهان را باید نقطه‌ی عطفی در تشدید روند افول زیدیه به عنوان مذهب غالب و قدرت‌یابی سلفیه تلقی کرد؛ به طوری که عبدالمجید الزندانی به عنوان یک شیخ سلفی اخوانی، مرکزی با نام «جامعه الایمان» را در صنعا تاسیس کرد؛ در یک مقطع بیش از ۲۰ هزار طلبه در این مرکز مشغول تحصیل بودند. شخصیت سلفی مانند مقبل بن هادی الوادعی نیز «دارالحدیث دماج» را با بیش از ۴ هزار طلبه از سراسر جهان در استان صعده تاسیس کرد و توسعه داد (وحده تحلیل السياسات فی المرکز العربی، ۲۰۱۳، ص. ۱). از طرف دیگر، قاضی اسماعیل العمرانی، شیخ مشهور زیدیه متسلف به عنوان قاضی القضاة یمن معرفی شد (ذیبان، ۲۰۱۶، صص. ۱۶-۲۱).

از آن جایی که این تهاجم فرهنگی وهابیت به یمن زمینه‌ی از بین رفتن هویت و اندیشه زیدی را در این کشور فراهم می‌کرد، لذا بخشی از جوانان زیدی صعده جلساتی را برای فراگیری تفکر زیدیه آغاز کردند و با ایجاد یک هسته اولیه به نام «اتحاد الشباب» (الدوسری، ۱۴۳۲، ص. ۹) مقدمات تحرکات جدی بعدی را فراهم کردند. هرچند تلاش‌ها برای احیای مذهب زیدیه آغاز شده بود، اما حمایت دولت یمن از سلفیه، فشار بر زیدیه را تشدید کرد و فضا مساعدی را برای فعالیت سلفیه فراهم آورد.

سیدحسین الحوثی، رهبر فکری جنبش انصارالله در بیاناتی در اعتراض به اقدامات دولت پس از درخواست محاکمه‌ی عربستان به خاطر ترویج وهابیت و تروریسم در جهان (الحوثی، ۲۰۱۰، ص. ۱۶۲۷)، به نقش دولت یمن و علی عبدالله صالح در حمایت از گسترش تفکر سلفی در شمال یمن و تقابل حکومت با زیدیه و نشر آن می‌پردازد (همان، ص. ۱۶۳۳). براساس فهم رهبران جنبش، خطر وهابیت و ترویج سلفیت در یمن، یکی از علل اصلی به حاشیه رفتن زیدیه است. این تهاجم فرهنگی علاوه بر توسعه‌ی وهابیت، باعث گسترش پدیده‌ی زیدیه‌ی متسلف نیز شده بود که در پرتو آن، بخشی از زیدیه به اندیشه‌ی سلفی و وهابی گرایش یافته بودند؛ لذا رهبران جنبش، بخشی از مشکل را ناظر به این چالش بیرونی می‌دانستند که هدف آن از بین بردن هویت زیدیه و به حاشیه راندن آن از صحنه سیاسی و اجتماعی یمن بود.

۴. ترسیم وضع مطلوب (تاسیس حکومت اسلامی)

رهبران جنبش انصارالله که بحران زبیدی را به حاشیه رفتن به سبب روی کار آمدن دولت سکولار در یمن پس از سقوط دولت متوکلیه و هجوم فرهنگی و هابیت به مبانی مذهب زیدی می دانستند، «تاسیس حکومت مبتنی بر قوانین اسلامی» را آرمان مطلوب خود می پنداشتند. سیدحسین الحوثی به عنوان رهبر فکری و بنیان گذار جنبش در سخنرانی ۲۰۰۲/۲/۴ خویش در رد دولت های سکولار در جهان اسلام به ویژه یمن، و در انتقاد از کسانی که دین را از حکومت و سیاست جدا می پندارند، اعلام کرد:

من نمی دانم برخی این سخنان عجیب را از کجا آورده اند! می گویند که خدا امور مخلوقات را مدیریت کند، اما در امور ما دخالت نکند! می گویند دین نمی تواند در شئون زندگی و حکومت دخالت کند! می گویند علما نباید در مسایل حکومت داری و مردم ورود و صحبت کنند! آیا این محدود کردن دین نیست؟ آیا این محدود کردن هدایت الهی نیست؟ تو نیز مخلوق خدایی، همان گونه که دیگران هستند و تدبیر خدا در مورد همه وارد است... چگونه مدعی هستی که خدا در مسایل حکومت دخالت نکند، در حالی که فساد می تواند حکومت، زندگی و حیات بشر را فاسد کند؟ (الحوثی، ۲۰۱۰، ص. ۱۱۰)

وی در بخش دیگری از سخنانش گفت:

ما آدمها اعتراف می کنیم که برای مدیریت زندگی خویش نیاز به قوانین، دستورات، بخش نامه ها و ... داریم تا بتواند روابط ما را در سطح جهان و منطقه، بین برادران عرب و غیر عرب و حتی بین همسایگان مدیریت کند؛ پس چرا به سمت تدبیرها و قوانین الهی نمی رویم! او کسی است که ما و دیگر موجودات را خلق کرده و به شئون ما بیش تر از همه آگاه است... او کسی است که گفته «إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَى» (اللیل، ۱۲)؛ پس سزاوار است که به هر تشریحی غیر از قوانین الهی برای زندگی کافر باشیم. (الحوثی، ۲۰۱۰، ص. ۱۱۲-۱۱۳)

سیدحسین الحوثی -موسس جنبش- با تاکید بر لزوم اسلامی بودن حکومت تاکید می کند: ما قائل هستیم که اسلام، دین و دولت است و برای مدیریت تمام شئون زندگی آمده که نمی توان قسمتی از آن را جدا کرد... اسلام، شریعت و حکمتی است که از جانب حکیم بر رسولی حکیم نازل شده تا شئون امتی عظیم را مدیریت کند؛ پس نباید از آن غافل شویم و بگذاریم تفکرات یهودی و آمریکایی با شعارهای غربی جدایی دین از سیاست، این تدبیر حکیمانه را از ما بگیرند. (همان، ص. ۱۵۸۱)

سیدعبدالملک الحوثی، رهبر فعلی جنبش انصارالله نیز در سخنرانی های خود بر اهمیت



اسلامی بودن حکومت تاکید کرده و برای نمونه، در سخنرانی افتتاحیه‌ی دوره‌های تابستانه‌ی جنبش انصارالله برای جوانان در سال جاری بیان داشت:

علم، اساس نهضت امت‌هاست و نهضت ما براساس ایمان و اسلام بنا شده است و در این مسیر، اسوه‌ی ما در آموزش و تعلیم، رسول‌الله است که توانست ماهیت جاهلی را تغییر دهد و شریعت اسلامی را جاری کند... ملت یمن، هویت ایمانی و اسلامی خود را در عمل به شریعت الهی پیاده می‌کند و در این مسیر، فعالیت‌های آموزشی و فرهنگی دارای نقش بسیار مهم است. (الحوثی، عبدالملک، ۲۰۲۲، ۵۰۹)

البته با توجه به موضع‌گیری‌ها و عملکردها می‌توان گفت که حکومت مد نظر رهبران جنبش انصارالله، بازگشت به حکومت امامان زیدی، همانند دولت متوکلیه نیست که شباهت به حکومت پادشاهی داشت؛ بلکه رهبران جنبش به دنبال یک حکومت جمهوری با دستورات و قانون اساسی اسلامی هستند. جنبش انصارالله پس از قیام ۲۰۱۴ و در دست گرفتن صنعا، چارچوب حکومت را تغییر نداد و تنها یک دولت انتقالی با نام «دولت نجات ملی» برای نوشتن قانون اساسی، تشکیل مذاکرات یمنی-یمنی و برگزاری انتخابات تاسیس کرد؛ البته ورود عربستان به جنگ با یمن اقدامات آن‌ها را ناقص گذاشت (الحوثی، محمد، ۲۰۲۲، ۱۸۰). تاکید بر جمهوریت، قبل از قیام نیز وجود داشت؛ به طوری که در سال ۲۰۰۴ حکومت علی عبدالله صالح برای توجیه حملات سنگین خود به مناطق صعده، در بیانیه‌ای اعلام کرد: این مبارزه برای از بین بردن کسانی است که به دنبال احیای امامت زیدیه در یمن هستند؛ اما جنبش انصارالله در ۲۶ ژوئن، در بیانیه‌ای ادعاهای مذکور را رد و بر تبعیت از رئیس‌جمهور و نظام ریاستی تاکید کرد و به شدت تصور احیای امامت زیدیه را انکار نمود (الدوسری، ۱۴۳۲، ص. ۸۷). با توجه به اندیشه‌ی رهبران جنبش، بویژه سیدحسین الحوثی، بنیانگذار و رهبر فکری انصارالله می‌توان مدعی شد که الگوی مطلوب رهبران جنبش، تشکیل یک حکومت مردم‌سالار برپایه‌ی قوانین اسلامی است که علمای زیدیه و مذاهب دیگر یمن بر آن نظارت داشته باشند.

۵. راهبرد عملی (تاسیس جنبش انصارالله)

اگر آرمان مطلوب رهبران جنبش را تاسیس نظام سیاسی براساس بنیادهای زیدی تلقی کنیم، راهبرد آن‌ها برای رسیدن به وضع مطلوب را می‌توان در سه گام «تبلیغ»، «ساماندهی» و «عمل» برای رفع بحران دانست. از این منظر، اندیشه و عمل سیدبدرالدین الحوثی را

می‌توان در مرحله‌ی اقدام اول در نظر گرفت که به‌عنوان حامی اصلی ایجاد جنبش، کتب و رساله‌ها و سخنرانی‌های متعددی را برای روشنگری نسبت به جامعه‌ی زیدی انجام داد؛ لذا می‌توان او را از مهم‌ترین چهره‌ی مبارزه برای احیای تفکر زیدی در دهه‌های اخیر دانست (شیخ حسینی، ۲۰۲۱، ص. ۹). از جمله‌ی کتاب‌ها و رساله‌های وی می‌توان به: «من هم الرافضه؟»، «ایجاز فی الرد علی الفتاوی الحجاز و عبدالعزیز بن باز»، «الغاره السریعه فی الرد علی الطلیعه»، «تحریر الافکار عن تقلید الاشرار» و «سلسله الذهب فی رد الوهابیه» را نام برد (البقمی، ۱۴۳۶، صص. ۱۴-۱۹). او در رساله‌ای با نام «من هم الوهابیه؟» به بیان خصوصیات تفکری وهابیت پرداخته و دلیل نوشتن این رساله را فعالیت‌های مخفی سلفی‌ها برای نشر تفکر وهابیت بیان کرده و از لزوم شناخت تفکر آن‌ها برای مبارزه‌ی صحیح سخن گفته است (الحوثی، ۲۰۱۶، ص. ۲۴۵). هم‌چنین در کتاب «بحوث السدیده» که مجموعه‌ای از رساله‌های اوست، تلاش زیادی برای احیای تفکر زیدیه و مقابله با شبهات موجود کرده است.

سیدحسین الحوثی نیز در مسیر روشنگری و تبلیغ، فعالیت‌های گسترده‌ای را دنبال کرد؛ به‌صورتی که او را رهبر فکری و علمی جنبش انصارالله می‌دانند. ایشان دروسی را از سال ۲۰۰۱ در صعده و مدرسه امام هادی منطقه‌ی مُرّان به‌صورت جداگانه آغاز نمود که این سلسله درس‌ها با عنوان «دروس من هدی القران» به‌صورت کتابچه‌های جدا درآمده و برای تقویت بنیان‌های فکری پیروان جنبش انصارالله در میان آن‌ها آموزش داده می‌شود. سیدحسین با شعار زندگی در مسیر قرآن (المسیره القرآنیه) تلاش نمود تا مفاهیم قرآن مخصوصاً مبانی انقلابی را به زندگی شیعیان زیدی برگرداند (شیخ حسینی، ۲۰۲۱، ص. ۱۴).

بُعد ساماندهی جنبش را می‌توان ناظر به بازتاب‌های منطقه‌ای انقلاب اسلامی ایران تفسیر کرد. تحولات پس از انقلاب اسلامی در ایران باعث شد تا تعدادی از جوانان زیدی متأثر از انقلاب و امام خمینی، با حمایت علمای زیدیه و در راس آن‌ها سید بدرالدین الحوثی و با هدف احیای تفکر زیدی، جلساتی را در مساجد صعده آغاز کرده و گروهی را با نام «شباب المومن» تأسیس نمایند و برای توسعه‌ی آن از هیچ کوششی دریغ نورزند. اتحاد دو یمن در ۱۹۹۰ باعث ایجاد فضای بازتر سیاسی برای ورود گروه‌های متفاوت به عرصه‌ی سیاست شد و شباب المومن که به‌صورت یک انجمن رسمیت پیدا کرده بود، با تأسیس «حزب الحق» وارد عرصه سیاست شد (الدوسری، ۱۴۳۲، صص. ۹-۱۶).

بُعد عملیاتی جنبش نیز با بحران اقتصادی یمن آغاز گردید. حمایت صالح از صدام در حمله به کویت، که اخراج کارمندان و کارگران یمنی از کشورهای عربی را به دنبال داشت،



فضای اقتصادی یمن را به شدت وخیم کرد (البيضاوی، ۱۹۹۱، صص. ۷۲ و ۸۵). در این میان، جوانان «شباب المومن» که عمری به خاطر فعالیت مذهبی در حاشیه قرار گرفته بودند، به عنوان یک حزب سیاسی در قامت معترض به وضع کنونی برآمدند و علاوه بر قرار گرفتن به عنوان ارکان اصلی اعتراض به دولت مستقر، فعالیت‌های خیریه‌ای را نیز به صورت گسترده و با شعار احیای مکتب زیدی دنبال نمودند (سلطانیان، ۱۳۹۵، ص. ۱۳۰). صالح که در موضع ضعف قرار گرفته بود، در سیاست خارجی به عربستان و آمریکا متمایل شد. هم‌چنین حادثه‌ی یازده سپتامبر و ارتباط آن با القاعده شبه‌جزیره که فعالیت گسترده‌ای در یمن داشت نیز مزید بر علت شد تا آمریکا، یمن را هدف گرفته (حسین‌زاده، ۱۳۸۹، ص. ۱۸۳) و مکتب زیدی را به طور خاص و مسلمانان یمن را به طور عمده تحت فشار قرار دهد. این فشار باعث شد تا رهبران شباب المومن به خصوص سیدحسین الحوثی که دیگر خود را انصارالله می‌نامیدند، تفکر ضدسلطه‌گری غرب را نیز در کانون محورهای جنبش قرار دهند. در مقابل، علی عبدالله صالح که تحت فشار سعودی و غرب قرار داشت، برای کنترل انصارالله و با شعار سرکوب حامیان ایران و حزب الله لبنان و کسانی که خواهان احیای حکومت امامان زیدی هستند، به مناطق شمال یمن حمله کرد (الدوسری، ۱۴۳۲ق، صص. ۷۹-۸۷). نبردهای مشهور به جنگ‌های شش‌گانه‌ی حکومت یمن با انصارالله باعث توسعه‌ی این جنبش در کل یمن و ورود انصارالله به بُعد نظامی شد. موج اخیر بیداری اسلامی از ۲۰۱۱ نیز که یمن را پس از کشورهای مانند تونس و مصر فرا گرفت، موجب سقوط صالح از قدرت و ورود یمن به دوره‌ی انتقالی با واسطه‌ی کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس و براساس توافقی با نام «المبادره الخلیجیه» شد (موتمر الحوار، ۲۰۱۳، صص. ۳۰۰-۳۰۷). عدم توان عبدربه منصور هادی، رئیس‌جمهور دوران انتقالی در انجام تعهدات توافق مذکور سبب شد تا جنبش انصارالله با قیام بر علیه حکومت، دولت نجات ملی را تشکیل دهد. عربستان نیز به خاطر ازدست‌دادن منافع خود در یمن با این دولت وارد جنگ شد. تحولات پس از جنگ ۲۰۱۵ در یمن با تثبیت جنبش انصارالله به عنوان بخشی از قدرت انکارناپذیر یمن دنبال شده است.

سیر تحولات سی سال گذشته‌ی یمن و حرکت رهبران این جنبش از مساجد صعه تا تاسیس جنبش انصارالله و قرارگرفتن آن جنبش به عنوان بازیگر اصلی یمن، نشان‌گر این موضوع است که راهکار رهبران انصارالله مبنی بر تاسیس جنبش در مرحله‌ی کنونی با توفیق‌های زیادی روبه‌رو بوده است، اما فرایند دولت‌سازی و سهیم کردن بازیگران متعارض در شبکه‌ی قدرت یمن، چالش پیش‌روی انصارالله است که رهبران کنونی جنبش باید برای حل آن چاره‌اندیشی کنند.

نتیجه‌گیری

جنبش انصارالله یمن یکی از مهم‌ترین بازیگران محور مقاومت و تاثیرگذارترین بازیگر کنونی صحنه‌ی قدرت در یمن است. بازنگری در زمینه‌های فکری تاسیس جنبش نشان می‌دهد که مناطق شمالی یمن به دلیل تجربه‌ی طولانی مدت حکومت امامان زیدی، مرکز مذهب زیدیه در این کشور محسوب می‌شود. سال ۱۹۶۲ میلادی با سقوط آخرین دولت زیدی، بخشی از ساختار هویتی زیدیان دچار تهدید شد؛ لذا بحران پیش‌آمده در کانون توجه اندیشه‌ورزی و عمل سیاسی-اجتماعی بسیاری از علمای زیدیه قرار گرفت.

خوانش پروژه‌ی فکری جنبش انصارالله یمن نشان می‌دهد، بیش‌ترین سهم در تاسیس و توسعه‌ی جنبش، برعهده‌ی علامه بدرالدین الحوثی، حسین الحوثی و عبدالملک الحوثی بوده است. از منظر این رهبران، مهم‌ترین بحران جامعه، به حاشیه‌رفتن و افول هویت زیدیه در مناطق شمالی این کشور می‌باشد. در تحلیل علت و ریشه‌ی بحران نیز می‌توان سقوط دولت ائمه‌ی زیدی در سطح ملی را به‌عنوان تهدید جدی برای هویت و ساختار نظام‌بخش زیدیان دانست. با اختلال پیش‌آمده در سطح ملی، تهاجم فکری و هابیت به‌عنوان پروژه‌ای کلان با حمایت مالی و فکری عربستان از خارج نیز تهدید هویت زیدی در این منطقه را تشدید کرد. در این بستر فکری و اجتماعی، رهبران جنبش پس از شناخت بحران و علل آن، به ترسیم وضع مطلوب، که تاسیس حکومتی اسلامی براساس مبانی قرآنی است، پرداختند و سپس راهکار رسیدن به وضع مطلوب را تاسیس جنبش انصارالله در نظر گرفتند.

تجربه‌ی سال‌های اخیر یمن نشان می‌دهد که این جنبش، در ابتدا با رویکردی علمی و تبلیغی، سپس با ساماندهی ساختار فرهنگی و در قامت «شباب المومن» و در آخر نیز با رویکردی عملیاتی توانسته است در یک دوره‌ی سی‌ساله از گروه فرهنگی کوچکی در مساجد استان‌های صعده و عمران یمن، به بازیگر اصلی صحنه‌ی سیاسی این کشور و عضوی از محور مقاومت در منطقه تبدیل شود. بازخوانی کامل و صحیح روند پیدایش حرکت‌هایی همانند جنبش انصارالله می‌تواند به‌عنوان الگویی برای تشکیل چنین حرکت‌هایی در مناطق دیگر اسلامی پیش روی محققان و سیاست‌مداران قرار گیرد.



منابع

- اسپریگنز، ت. (۱۳۶۵). فهم نظریه‌های سیاسی. (ف. رجایی، مترجم). تهران: نشر آگاه.
- بیضاوی، ع. (۱۹۹۱). مازق اليمن فی الصراع الخلیج. قاهره: دارالمعارف.
- جولوبوفسکایا، ا. (۱۹۸۲). ثورة ۲۶ سبتمبر فی اليمن. (ق.م. طربوش، مترجم). بیروت: دار ابن خلدون.
- حکیم، ب.م. (۲۰۱۷). اليمن، من الربیع الثوره إلى خریف العدوان. صنعاء: رقم الايداع بدار الکتب الوطنیه.
- حسین زاده، ا. (۱۳۸۹). اقتصاد سیاسی نظامی گری آمریکا. تهران: نشر نی.
- حوثی، ب. (۲۰۱۶). البحوث السدیده و الاجوبه المفیده. صنعاء: مجلس الزیدی الاسلامی.
- حوثی، ح. (۲۰۱۰). ملازمات. (ی.ق. ابوعواضه، جمع‌آوری کننده). صعده: بی نا
- جزیلان، ع. (۱۹۸۷). التاريخ السر للثوره الیمنیه من سنه ۱۹۵۶ إلى سنه ۱۹۶۲. بیروت: العصر الجدید.
- جهنی، م. (۱۴۲۰). الموسوعه المیسره فی الأذیان و المذاهب و الأحزاب المیسره. ریاض: دار الندوه العالمیه للطباعه و النشر و التوزیع.
- دوسری، ن. (۱۴۳۲). الحركه الحوثیه_دراسه منهجیه شامله. بی‌جا: دار الصحوه العالمیه للطباعه و النشر.
- ذبیان، ع. (۲۰۱۶). تسهیل بدایه المجتهد و نهایه المقتصد. صنعاء: بی‌نا. قابل بازیابی در: <https://www.noor-book.com>
- سلطانیان، ف. (۱۳۹۵). نقش ساختار قبیله‌ای در تحولات سیاسی یمن سه دهه اخیر ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۴. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- بقمی، ر. (۱۴۳۶). بدرالدین الحوثی و آراء العقیدیه. مکه: جامعه ام‌القری.
- شجاع، ا. (۱۴۳۴). بعد الثوره الشعبیه الیمنیه: ایران و الحوثیین، مراجع و مواج. الرياض: مکتب مجله البیان.
- شدوی، ع. (۲۰۱۵). الحوثیون اصولهم و نشاتهم و عقائدهم. لندن: مرکز العصر للدراسات الاستریتجیه و المستقبلیه.
- شیخ حسینی، م. (۲۰۲۱). أسس الفكر السیاسی لحسین الحوثی (مؤسس حركة أنصار الله الیمنیه). الفكر السیاسی الاسلامی، (۱)، صص. ۱۶۳-۱۸۱.
- صادق، ع. (۲۰۱۰). ماذا تعرف عن الحوثیین؟ بی‌جا: مکتبه هین الجامعه.
- صبری، ع. (۲۰۲۰). نون و ما یعصفون. صنعاء: الإتحاد الإعلامیین الیمنیین.
- عجری، ع. (۲۰۱۷). جماعه أنصارالله: الخطاب و الحركه. صنعاء: دراسات و مقالات للعجری.
- عمری، ح. (۱۹۹۰). الامام الشوکانی رائد عصره. بیروت: دارالفکر المعاصر.
- غلیسی، س.ح. (۲۰۰۳). دور القبیله فی الحیاه السیاسیه الیمنیه خلال فتره حکم المملکه المتوکله الیمنیه المتوکلیه الیمنیه (۱۹۱۸م- ۱۹۶۲م). پایان‌نامه کارشناسی ارشد تاریخ معاصر. صنعاء: جامعه الصناعا، کلیه الآداب، قسم التاريخ.
- فرمانیان، م. (۱۳۹۸). جریان شناسی سلفی گری معاصر. قم: دارالاعلام لمدرسه اهل بیت.
- قحطانی، ع. (۱۴۳۳). قصه الحوثیین. بی‌جا: مکتبه عین الجامعه.
- لاکروا، س. (۲۰۱۲). زمن الصحوه: الحركات الاسلامیه المعاصره فی السعودیه. (ع.ح. الزموری، مترجم). بیروت: الشبکه العربیه للابحاث و النشر.
- وحده تحلیل السیاسیات فی المركز العربی (۲۰۱۳). حرب الدماغ إعانه الحوار الوطنی و إفشال المرحله الانتقالیه بتهدید الدوله. الدوحه: مرکز العربی للابحاث و دراسة السیاسیات
- مطهر، ع. (۱۹۹۰). یوم ولد اليمن وجده. قاهره: دار النوبار للطباعه.
- مؤتمر الحوار (۲۰۱۳). وثیقه الحوار الوطنی الشامل. صنعاء: مؤتمر الحوار الوطنی الشامل، جمهوریه الیمنیه.



Baer, G. (2003). *Population and Society in the Arab East*. (H. Szoke. Trans). London: Routledge.

Commins, D. (2006). *The Wahhabi mission and Saudi Arabia*. London: I.B.Tauris.

مرکز صنعاء للدراسات الاستراتيجية، اتفاقيات التعايش بين الحوثيين والسلفيين: الدوافع وأفاق المستقبل، ۲۰۲۱/۱۲/۰۷. قابل بازیابی در:

<https://sanaacenter.org/ar/publications-all/analysis-ar/15884>

الحوثی، م. (۲۰۲۲/۰۸/۲۰) توئیتر، توییت صفحه شخصی محمد الحوثی. قابل بازیابی به آدرس:

https://twitter.com/Moh_Alhouthi/status/966423650554523649?t=kpXrpdXeh2mBYJvYWcZJJg&s=09

سایت المسیره، کلمة السيد عبد الملك بدر الدين الحوثي خلال افتتاح الأنشطة والدورات الصيفية ۱۴۴۳هـ - ۲۰۲۲م،

۲۰۲۲/۰۵/۲۰. قابل بازیابی در: <https://www.masirahtv.net>





سال بیست و پنجم / شماره نود و هشتم / تابستان ۱۴۰۱

References

- Ajri, A. (2017). *Ansar Allah Group: the discourse and the movement*. Sanaa: Dirasat wa-Maqalat li-l-Ajri.
- Al-Masira. (2022, May 9). Sayyid Abdelmalik Badreddin al-Houthi's speech in the inauguration of summer activities and courses. Retrieved from <https://www.masirahtv.net>.
- Amri, H. (1990). *Al-Imam al-Shawkani, the pioneer of his time*. Beirut: Dar al-Fikr al-Mu'asir.
- Baer, G. (2003). *Population and Society in the Arab East*. (H. Szoke. Trans). London: Routledge.
- Baqmi, R. (2014). *Badreddin al-Houthi and his doctrinal opinions*. Mecca: Um Al Qura University.
- Baydawi, A. (1991). *Yemen's standoff in the Gulf conflict*. Cairo: Dar al-Ma'arif.
- Commins, D. (2006). *The Wahhabi mission and Saudi Arabia*. London: I.B. Tauris.
- Dawsari, N. (2010). *The Houthi movement: a comprehensive systematic study*. (n.p.): Dar al-Sahwa al-'Alamiyya li-l-Tiba'a wa-l-Nashr.
- Dhiban, A. (2016). *Tashil bidayat al-mujtahid wa-nihayat al-muqtasid*. Sanaa: (n.p.).
- Farmanian, M. (2019). *A study of the currents of contemporary Salafism*. Qom: Dar al-I'lam li-Madrasa Ahl al-Bayt.
- Ghalisi, S. H. (2003). *The role of tribes in the Yemeni political life during the reign of Mutawakkilite Kingdom of Yemen (1918-1962)*. [MA dissertation, University of Sanaa].
- Golubovskaya, E. (1982). *September 26 revolution in Yemen*. (Q. M. Tarbush, Trans.). Beirut: Dar Ibn Khaldun.
- Hakim, B. M. (2017). *Yemen from the spring of revolution to the fall of hostility*. Sanaa: Raqam al-Ibda' bi-Dar al-Kutub al-Wataniyya.
- Hosseinzadeh, E. (2010). *The political economics of American militarism*. Tehran: Ney Publication.
- Houthi, B. (2016). *Firm discussions and helpful answers*. Sanaa: Majlis al-Zaydi al-Islami.
- Houthi, H. (2010). *Mulazamat*. (Y. Q. Abu Awada, Ed.). Sa'dah: (n.p.).
- Houthi, M. (2018, February 22). Mohammed al-Houthi's personal Twitter page. Retrieved from https://twitter.com/Moh_Alhouthi/status/966423650554523649?t=kpXrpdXeh2mBYJvYWcZJJg&s=09.
- Jazilan, A. (1987). *The secret history of the Yemeni revolution from 1956 to 1962*. Beirut: al-'Asr al-Jadid.
- Juhani, M. (1420). *The companion to contemporary religions and denominations and parties*. Riyadh: Dar al-Nudwa al-'Alamiyya li-l-Tiba'a wa-l-Nashr wa-l-Tawzi'.
- Lacroix, S. (2012). *Awakening Islam: The Politics of Religious Dissent in Contemporary Saudi Arabia*. (A. H. al-Zamuni, Trans.). Beirut: Arab





- Network for Research and Publishing.
- Mutahhar, A. (1990). They day Yemen gave birth to its glory. Cairo: Dar al-Nawbar li-l-Tiba'a.
- Mu'tamar al-Hiwar. (2013). Comprehensive national dialogue document. Sanaa: National Dialogue Conference, Yemen Republic.
- Qahtani, A. (2011). The story of Houthis. (n.p.): Maktaba 'Ayn al-Jami'a.
- Sabri, A. (2020). Nūn wa-mā ya'şifūn. Sanaa: Yemeni Media Union.
- Sadiq, A. (2010). What do you know about Houthis? (n.p.): Maktaba 'Ayn al-Jami'a.
- Sanaa Center for Strategic Studies. (2021, Decembe 7). Coexistence agreements between Houthis and Salafis: motivations and future horizons. Retrieved from <https://sanaacenter.org/ar/publications-all/analysis-ar/15884>.
- Sheikhhosseini, M. (2021). Foundations of the political thought of Hussain Houthi (the founder of Yemeni Ansar Allah Movement). *Al-Fikr al-Siyāsī al-Islāmī* 1(1), 163-181.
- Shidawi, A. (2015). Houthis: their principles and origin and beliefs. London: Al-Asr Centre for Strategic and Future Studies.
- Shuja, A. (2012). After the popular Yemeni revolution: Iran and Houthis, references and resonances. Riyadh: Maktab Majalla al-Bayan.
- Soltanian, F. (2016). The role of the tribal structure in the political developments of Yemen in the last three decades: 1979 to 2016. [MA dissertation, Allameh Tabataba'i University].
- Spragens, T. (1986). Understanding Political Theory. (F. Rajae, Trans.). Tehran: Agah Publication.
- Unity of Political Analysis in the Arab Center. (2013). The chicken war subsidizing the national dialogue and thwarting the transitional phase threatens the state. Doha: Arab Center for Research & Policy Studies.